https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en

Strategic Research on Social Problems in Iran
E-ISSN: 2645-7539
Vol. 12, Issue 2, No.41, Summer 2023, pp. 129-148
Received: 03.08.2023 Accepted: 28.11.2023

Research Paper

The Relationship of Moral Judgment and Adherence to Believers with Breakdown in the Family Institution

Fattaneh Hajilou*
Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran
fhajilou@tabrizu.ac.ir
Fatemeh Golabi
Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz, Iran
f.golabi@tabrizu.ac.ir
Bahman Ranjgar Ghale-Kandi
M.A in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran
ranjegarbahman@gmail.com

Introduction
Family is a complex system of relationships, processes, and phenomena within the lives of its members, encompassing physical and psychological, economic and moral, social, and cultural aspects of society. A strong foundation for a healthy family can transform this social institution into a sanctuary for its members and a platform for human growth in all societies. In contemporary societies, the family has encountered various challenges due to shifts in its values and functions. Some of these challenges have impacted the relationships between spouses, leading to family breakdown. It is evident that the factors disrupting the functions of the family institution also contribute to numerous social harms. Despite extensive research on the family and its challenges in different societies and times, it is difficult to pinpoint specific and identical causes that threaten the foundation of the family. Therefore, understanding the social and individual factors that interfere with and affect family functions has always been a focal point of sociological studies and research, particularly in explaining the threats and causes of conflicts and differences, especially between couples. Based on individual and social circumstances, there are instances where couples, despite being dissatisfied with their relationships, are compelled to remain together, preserving the family structure outwardly but experiencing a decrease in emotional intimacy, which is often referred to as emotional divorce. This type of rupture in family relations has numerous direct and indirect consequences for both family members and society at large.

Materials & Methods
This research was classified as an applied research as the researchers aimed to experimentally test theoretical concepts with the results intended for practical application in addressing challenges within the research topic. In terms of its temporal nature, this study was cross-sectional. The method of data collection employed was a survey with information gathered through reviewing the respondents' answers. Furthermore, it was a correlational study as it evaluated and measured the correlation between variables. The target sample for this research comprised all married individuals residing in the 5th, 7th, and 8th regions of Tabriz City during the period of 2022-2023. The determined sample size was 384 individuals calculated by using Cochran's formula from the total married population living in the researched areas, which, based on the 2015 census, amounted to 311,380 people. Sampling was conducted in a clustered manner and the data collection tool utilized was a questionnaire comprising a combination of standard questions and those formulated by the researchers.

Discussion of Results & Conclusion
The research findings revealed a significant and positive correlation between moral judgment and family breakdown. This suggested that when ethical standards are not grounded in rational reasoning and established definitions, but rather based on individual judgments regarding societal values and

*Corresponding author

Hajilou, F., Golabi, F., & Ranjegargalekandy, B. (2023). The relationship of moral judgment and adherence to believers with breakdown in the family institution. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, *12*(2), 129-148.

2645-7539 / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/).

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

beliefs, ethical considerations become a source of disagreement and conflict among family members, thereby posing a risk to the cohesion of the family institution.

Furthermore, the results demonstrated a significant and inverse relationship between adherence to beliefs and family disintegration. In other words, as adherence to beliefs increases, family breakdown decreases. Beliefs play a crucial role in marriage and are intertwined with the activities that spouses engage in together. When couples significantly differ in this aspect, the stability of their relationship diminishes, leading the family towards a conflict and eventual dissolution.

Keywords: Family Breakdown, Belief Adherence, Moral Judgment, Moral Rationality

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال دوازدهم، شماره پیاپی (۴۱)، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۲۹-۱۴۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

مقاله پژوهشی

رابطهٔ قضاوت اخلاقی و پایبندی اعتقادی با گسست در نهاد خانواده

فتانه حاجیلو*، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
fhajilou@tabrizu.ac.ir
فاطمه گلابی، استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
f.golabi@tabrizu.ac.ir
بهمن رنجگر قلعه کندی، دانش‌آموختهٔ کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
ranjegarbahman@gmail.com

چکیده

تحکیم نهاد خانواده و برقراری رابطهٔ صمیمی بین اعضای آن، به سلامت نهاد خانواده کمک می‌کند و به‌ویژه در جامعهٔ اسلامی، از جایگاه ارزشمندی برخوردار است؛ ولی عوامل متعددی وجود دارند که بنیان خانواده و دوام آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند، کارکردهای آن را دچار اختلال می‌کنند و حتی به گسست خانواده منجر می‌شوند. این پژوهش با هدف بررسی رابطهٔ قضاوت اخلاقی و پایبندی اعتقادی با گسست در نهاد خانواده، انجام شده است. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه است. جامعهٔ آماری، افراد متأهل ساکن در سه منطقه از مناطق ده‌گانهٔ شهر تبریزند که براساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر از آنها به‌عنوان نمونهٔ آماری به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بررسی شدند. نتایج نشان داد بین قضاوت‌های اخلاقی افراد با گسست خانواده رابطهٔ مستقیمی وجود دارد. همچنین، پایبندی اعتقادی با گسست خانواده، رابطهٔ معکوس و معنی‌داری دارد. به‌عبارتی در نهاد خانواده هرچه سهم قضاوت‌های فردی دربارهٔ موضوعات اخلاقی، بیشتر به‌عنوان ملاک‌های اخلاقی مدنظر قرار گیرد و استدلال‌های اخلاقی بر پایهٔ قضاوت‌های شخصی جای عقلانیت اخلاقی را بگیرد، احتمال وقوع تعارض و درنتیجه احتمال وقوع گسست در خانواده بیشتر می‌شود و هرچقدر پایبندی اعتقادی زوجین در زندگی زناشویی بالا باشد، احتمال وقوع گسست در نهاد خانواده کمتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: گسست خانواده، پایبندی اعتقادی، قضاوت اخلاقی، عقلانیت اخلاقی.

* نویسنده مسؤول

حاجیلو، ف.؛ گلابی، ف. و رنجگر قلعه کندی، ب. (۱۴۰۲). رابطهٔ قضاوت اخلاقی و پایبندی اعتقادی با گسست در نهاد خانواده. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۲(۲)، ۱۲۹-۱۴۸.

2645-7539 / © University of Isfahan
This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/).

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

مقدمه و بیان مسئله

خانواده، مجموعهٔ پیچیده‌ای از انواع روابط، فرایندها و پدیده‌های مختلف درون و برون سیستمی است که حیات اجتماعی آن با مناسبات جسمی و روانی، اقتصادی و اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه گره خورده است. بنیان خانوادهٔ سالم، این نهاد اجتماعی را در همهٔ جوامع، به پناهگاهی برای اعضای و بستر بالندگی جامعه تبدیل می‌کند. با وقوع تغییرات اجتماعی در جوامع معاصر، خانواده دچار چالش‌های متفاوتی با تغییر در ارزش‌ها و کارکردهای خود شده است. بدیهی است عوامل آسیب‌زننده به نهاد خانواده، با ایجاد اختلال در کارکردهای آن، جامعه را نیز درگیر آسیب‌های اجتماعی متعدد می‌کنند. با وجود مطالعات گسترده و فراوان دربارهٔ خانواده و آسیب‌های آن در جوامع مختلف، نمی‌توان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، علت‌های مشخص و یکسانی را تعیین کرد که بنیان خانواده را تهدید می‌کند؛ از این رو، همواره شناخت علل اجتماعی و فردی مداخله‌کننده و تأثیرگذار بر کارکردهای خانواده، موضوع مطالعات و پژوهش‌های جامعه‌شناختی برای تبیین تهدیدات و علل بروز تعارضات و اختلافات به‌ویژه بین زوجین قرار گرفته است.

بررسی نتایج تحقیقات در زمینهٔ مسائل و مشکلات خانواده در چندسالهٔ اخیر، ازجمله پژوهش میرحسینی و کوه‌پیمای رونیزی (۱۴۰۰) و دهدست و قبادی (۱۳۹۹)، گویای آن است که تشکیل خانواده و زندگی زناشویی در بسیاری از جوامع امروزی، سست و ضعیف شده است و احتمال دارد در بسیاری از موارد، همسران در کنار هم و زیر یک سقف زندگی کنند، اما روابط متعارف بین زوجین و فرزندان در نهاد خانواده، جریان نداشته باشد؛ یعنی ناکامی در زندگی زناشویی و کاهش روابط زوجین، همیشه به شکل طلاق رسمی رخ نمی‌دهد و ممکن است ارتباط و تعامل بین افراد خانواده نیز، کمرنگ و یا کاملاً قطع شود.

بنابر شرایط فردی و اجتماعی، گاهی زوجین به‌اجبار در کنار هم می‌مانند و ظاهراً ساختار خانواده را حفظ می‌کنند، اما با کاهش فضای عاطفی، با طلاق عاطفی روبه‌رو می‌شوند. با توجه به اینکه چنین گسستی در روابط خانواده، در جایی ثبت نمی‌شود، با وجود آسیب‌های اجتماعی زیادی که به‌همراه دارد، آمار رسمی و دقیقی از این وضعیت وجود ندارد و نمی‌گوید که موجب گسست در ساختار خانواده و کارکردهای آن می‌شود. بررسی یافته‌های پژوهش‌های متعدد انجام‌یافته در زمینهٔ طلاق عاطفی در یک دههٔ گذشته، دلایل و علت‌های مختلفی را برای این پدیده نشان می‌دهد؛ نظیر فقدان تفاهم فکری و اجتماعی بین زوجین، کم سن و کم‌تجربه‌بودن زوجین، مشکلات جنسی همسران، ناهماهنگی طبقاتی، مشکلات مالی و بسیاری عوامل دیگر که دلیل گسست در روابط خانواده بیان شده است.

در جامعه‌ای که نظام خانوادگی آن به فرایند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی بر رفتار افرادش نظارت نداشته باشد و به مجموعه‌ای از باورها و احساسات مشترک پایبند نباشد، خانواده به‌سمت گسستگی می‌رود. خانوادهٔ گسسته زمانی شکل می‌گیرد که همنوایی اجتماعی بین اعضا، برای رعایت هنجارها و ارزش‌ها وجود نداشته باشد و رعایت‌نکردن رسوم اخلاقی و اهمیت‌ندادن به کردارها و کنش‌ها، از سوی اعضا مشاهده شود (حسن‌زاده، ۱۴۰۰).

بررسی نتیجهٔ پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ در ایران، نشان داد اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی خانواده، متأثر از عوامل سطح کلان تغییرات ساختاری، تغییرات ارزشی و تغییرات معنایی و عوامل سطح خرد شامل نداشتن صلاحیت‌های پیش از ازدواج و نداشتن مهارت‌های پس از ازدواج، زمینه‌ساز کاهش استحکام خانوادهٔ ایرانی شده است (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹).

دلایل و عوامل پیدایش طلاق عاطفی معمولاً در حوزهٔ روان‌شناسی بررسی و پیامدهای آن بر جامعه، در حوزهٔ جامعه‌شناسی ارزیابی می‌شود. کاهش انسجام و هماهنگی در خانواده، کاهش میل به ازدواج در دیگر اعضا، ایجاد انحراف جنسی در زوجین، انزوای اجتماعی و کاهش رضایت از

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

زندگی، مشکلات اقتصادی، شکست والدین در تعلیم و تربیت فرزندان، رشدنکردن فرزندان ازلحاظ اجتماعی و افت تحصیلی آنان، ازجمله پیامدهای طلاق عاطفی است (دهقانی تفتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۹).

براساس آمار دفتر آسیب‌دیدگان سازمان بهزیستی کشور، تغییرات ازدواج در سال ۱۳۹۸ نسبت‌به سال ۱۳۸۸ حدود ۳۷/۶درصد منفی بوده است. این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده و در همین زمان، طلاق ۵۸/۳۲درصد تغییرات مثبت داشته است. اگرچه ازنظر علمی، مقایسهٔ تعداد ازدواج و طلاق‌ها در هر سال، درست نیست؛ زیرا طلاق‌های واقع‌شده در هر سال، الزاماً مربوط به ازدواج‌های همان سال نیست، اما برای آگاهی از وضعیت جامعه دربارهٔ نسبت طلاق به ازدواج و تعداد ازدواج و طلاق در کشور، باید به آمار رسمی سازمان ثبت‌احوال کشور مراجعه کرد که نشان می‌دهد: «در سال ۱۳۹۹، تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ نفر بوده است که نسبت‌به سال ۱۳۹۸حدود ۴/۴درصد رشد کرده، اما تعداد طلاق‌های ثبت‌شده در این سال هم، رشد قابل توجهی داشته و با ثبت تعداد ۱۸۳هزار و ۱۶۳ طلاق ثبت‌شده در سال ۹۹، میزان رشد طلاق در ایران ۳/۶درصد نسبت‌به سال ۹۸ بوده است. در حقیقت به ازای هر ۳ ازدواجی که در سال ۹۹ ثبت شده، یک طلاق هم به ثبت رسیده و به‌عبارتی، نسبت ازدواج به طلاق ۳ به ۱ است» (درگاه ملی آمار، ۱۴۰۱).

براساس «گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران در پاییز ۹۹»، از سوی مرکز رصد فرهنگی کشور (۱۴۰۰)، در ۵۱ هزار و ۲۷۰ رویداد طلاق ثبت شده و طول مدت ازدواج، بین یک تا پنج سال بوده است، یعنی در بیشتر موارد، زندگی مشترک بین ۱ تا ۵ سال دوام داشته است. بنا به اعلام درگاه ملی آمار (۱۴۰۱)، آذربایجان شرقی پس از استان‌های تهران، خراسان رضوی و فارس، با ثبت ۴۳۵۱ مورد طلاق در نیمهٔ نخست سال ۱۳۹۹، رتبهٔ چهارم وقوع طلاق را در کشور داشته است. آمارهای رسمی ادارهٔ کل ثبت احوال آذربایجان شرقی نیز، حاکی از آن است که وقوع طلاق رسمی در سال ۱۳۹۹ نسبت‌به سال قبل از آن، ۴/۳درصد رشد کرده و در میان شهرستان‌های استان، تبریز بالاترین میزان طلاق را داشته است. این در حالی است که اطلاعات دقیقی از خانواده‌هایی وجود ندارد که کارکرد نهادی خود را از دست داده‌اند.

با توجه به توضیحات اخیر، برای یافتن پاسخ این سؤال «گسست در خانواده، چه رابطه‌ای با پایبندی اعتقادی و قضاوت اخلاقی دارد؟» سه منطقه از مناطق شهرداری تبریز بررسی شده‌اند. این مناطق به‌لحاظ جغرافیایی در غرب، شرق و مرکز شهر واقع‌اند و در یک نوار طولی، بخش‌های مختلف شهر را با ساکنان دارای ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز گروه‌های متفاوت را در بر می‌گیرد و درمجموع تقریباً نمایی کامل از وضعیت اجتماعی شهر تبریز را پوشش می‌دهد.

پیشینهٔ نظری پژوهش

تمایل به داشتن یک رابطهٔ پایدار، باکیفیت و توأم با رضایت زناشویی، در همهٔ ازدواج‌ها وجود دارد؛ اما در بسیاری مواقع، زمینه‌های بروز تعارضات و اختلافات زناشویی، روابط زوجین را به‌سمت تعارض و برخوردهای آزاردهنده و درنهایت ناخشنودی زناشویی پیش می‌برد و صمیمیت، آرامش و رضایت از زندگی، جای خود را به خشونت بین زوجین، جدایی عاطفی، خیانت زناشویی و درنهایت طلاق می‌دهد. نظریه‌های مختلفی دربارهٔ ایجاد تعارض‌های منجر به گسست در خانواده وجود دارد، نظریه‌های نظم خرد، مبانی اخلاقی و نظریه‌های مرتبط با پایبندی به اعتقادات، مبنای نظری پژوهش حاضرند که در ادامه به‌صورت مختصر، شرح داده می‌شوند.

نظریهٔ نظم خرد و گسست خانواده

برخی جامعه‌شناسان معتقدند با وجود اینکه خانواده در زندگی معاصر، از وضعیت مطلوب خود فاصله گرفته و با تغییر در ارزش‌ها و کارکردهای خود، دچار چالش‌های متفاوت، سستی و ضعف پایه‌های زندگی زناشویی شده است و اگرچه در مواردی تعامل بین همسران کم‌رنگ یا کاملاً قطع می‌شود، چون هنوز در کنار هم و زیر یک سقف زندگی

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

می‌کنند، این تغییرات گسست خانواده نامیده نمی‌شود (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۹). این در حالی است که برخی دیگر از نظریه‌ها، تغییرات به وجود آمده را مصداق فروپاشی خانواده تلقی می‌کنند و نکتهٔ مهم آن است که هر دو طیف نظریه‌پردازان، علل متفاوت فردی و اجتماعی را برای تبیین موضع خود به کار می‌گیرند.

براساس رویکرد مبتنی بر آنومی، خانواده گسسته از پیامدهای آنومی اجتماعی است، شرایط آنومیک به معنای فقدان هنجار به‌دلیل اجماع‌نکردن دربارهٔ اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوهای رفتاری مناسب برای افراد، باعث بر هم خوردن تعادل و نظم پیشین اجتماعی می‌شود. چنین شرایط گذار و دگرگونی، سبب بروز آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و جدایی می‌شود. در ساختار خانواده، هرچه بی‌نظمی و کنترل‌نداشتن بر رفتار افراد بیشتر باشد، هنجارهای اجتماعی، بایدها و نبایدها رعایت نمی‌شود، به ارزش‌های خانوادگی احترام گذاشته نمی‌شود و به عمل درنمی‌آید. این امر خانواده را به‌سمت گسستگی روابط درونی آن می‌برد. در خانواده‌ای که همنوایی بین اعضا برای رعایت هنجارها و ارزش‌ها نباشد و تفکرات شخصی و نیازهای فردی غلبه یابد، خانوادهٔ گسسته شکل می‌گیرد.

در شرایط آنومیک، «بسیاری از انسان‌ها دچار سردرگمی پیرامون قواعد و ارزش‌ها شده و همین از هم پاشیدگی ارزش‌ها، هنجارها و آنومی، وضعیتی ایجاد می‌کند که نتیجهٔ آن آرزوها و امیال بی‌حد و حصر و رو به فزونی است و لذا نارضایتی و از هم پاشیدگی خانواده ظهور می‌کند» (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

در رویکرد ساختاری، علل مخل آرامش و ثبات در خانواده، درونی یا بیرونی است. مشکلات در سطح خرد، به ساختارها و کارکردهای نهاد خانواده و در سطح کلان، به ساختارهای اجتماعی مربوط است؛ مثل برقراری امنیت و آرامش در کانون خانواده که کمک می‌کند این نهاد کارکردهای خود را به‌خوبی ایفا کند؛ اما گاهی به علل متفاوت، آرامش آن با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. (بابایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸). در نظریهٔ نظم خرد، نظم دست کم در چهار بعد همفکری، همگامی، همدلی و هم‌بختی مشترک در خانواده ایجاد می‌شود و در صورت فقدان آنها، نظم و تعادل سیستم از بین می‌رود و نهاد خانواده دچار اختلال می‌شود (چلبی و روزبهانی، ۱۳۸۰). تیرگی روابط حتی در خانواده‌های غیرگسسته نیز، باعث ایجاد ناهنجاری و بزهکاری، همچون خانواده‌های گسسته می‌شود (چلبی و روزبهانی، ۱۳۸۰: ۹۶).

در ساختار خانواده هرچه بی‌نظمی و کنترل‌نداشتن بر رفتار افراد بیشتر باشد، هنجارهای اجتماعی «باید و نباید» رعایت نمی‌شود، به ارزش‌های خانوادگی احترام گذاشته نمی‌شود و عملی نیز نمی‌شوند. از هم گسستگی خانواده، ناشی از هم گسیختگی بین اهداف اجتماعی و ابزار اجتماعی است. در خانواده‌ای که همنوایی اجتماعی بین اعضا برای رعایت هنجارها و ارزش‌ها شکل نگیرد و سود و منفعت شخصی و لذاید فردی بر تفکر افراد حاکم باشد، خانوادهٔ گسسته شکل می‌گیرد (اعزازی، ۱۳۸۰).

به نظر پارسونز[1]، وجود عاطفه در نهاد خانواده و دل‌بستگی عاطفی است که عشق و محبت مورد نیاز برای کنارهم‌بودن را فراهم می‌کند، با نظم و ثبات رابطهٔ مستقیم دارد و تمرکز اعضای خانواده در جهت اهداف همسان با نظم موجود در نهاد خانواده را تضمین می‌کند (چلبی و روزبهانی، ۱۳۸۰: ۹۷).

نظریهٔ مبانی اخلاقی

رعایت اخلاق و قضاوت‌های اخلاقی، یکی از مفاهیم محوری بحث‌شده در نظریات ساختاری مرتبط با نظم در ساختار خانواده است. «اخلاق مجموعه‌ای از قواعد مشترک است که برای دستیابی به ارزش‌های غایی و اجتماعی، به شکل داوطلبانه و غیر مشروط، برای کنش اجتماعی ویرایش شده است. این ویرایش، کنشگران اخلاقی را به‌سمت آرمان‌ها،

[1] Parsons

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

پرهیزگاری و لحاظ‌کردن سود و زیان دیگر اعیان اجتماعی در تابع سود و زیان خود، سوق می‌دهد» (جلیلی تل چگاه و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۲).

استدلال اخلاقی، فرایند قضاوت آگاهانه دربارهٔ خوبی یا بدی اعمال است. افراد هر روز با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که در آن باید هنجارهای تعیین‌شدهٔ خود و جامعه را نقض کنند، از عقاید اخلاقی خود تبعیت و یا به شکل نوع‌دوستانه، مطابق معیارهای اخلاق اجتماعی عمل کنند. افراد در هر موقعیتی باید دربارهٔ درست یا غلط عمل کردن تصمیم بگیرند. تصمیم‌گیری اخلاقی موقعیت‌ها و تعارضات اخلاقی، زندگی روزانهٔ افراد را توصیف می‌کند. افرادی که فهم بهتری از اهداف، موقعیت و عوامل لازم برای انجام عمل اخلاقی دارند، در مقایسه با افرادی که در فهم کامل یک تکلیف ناتوان‌اند، درجات بالاتری از رفتار اخلاقی را از خود نشان می‌دهند (علیزاده و علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۴۶).

نهاد خانواده، یک سیستم بسیار مهم برای ویژگی‌های اخلاقی و محل انتقال ارزش‌های سنتی، باورها و شناخت‌هاست و ارزش‌های اخلاقی آن، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر استدلال‌های اخلاقی افراد است. «سیستم‌های اخلاقی، مجموعه‌ای به هم پیوسته از ارزش‌ها، فضایل و هنجارها، شیوه‌ها، هویت‌ها، نهادها، فن‌آوری‌ها و تکامل مکانیسم‌های روانی است که با هم تعامل می‌کنند و خودخواهی‌های انسان را تنظیم و یا سرکوب کرده و زندگی اجتماعی را سامان می‌دهند» (سیفی قوزلو و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

این تعریف از اخلاق که از نظریهٔ مبانی اخلاقی هایت[1] (2001) استنتاج شده است، مفهوم آن را از یک مقولهٔ فردی فراتر می‌برد و آن را به یک مکانیسم روانی تبدیل می‌کند که در ارتباط انسان‌ها با هم تأثیر می‌گذارد. تئوری مبانی اخلاقی، یک نظریهٔ روان‌شناسی اجتماعی است که ریشه‌ها و تنوع در استدلال اخلاقی انسان را براساس بنیان‌های ذاتی توضیح می‌دهد و پایهٔ آن بر کار ریچارد آلن شودر[2] (2001) استوار است که شش مبنای مراقبت/آسیب، انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، اقتدار/براندازی، قداست/تنزل، آزادی/ستم را به‌عنوان بنیان‌های قضاوت‌های اخلاقی پیشنهاد می‌کند (Haidt, 2001).

هایت (2001) در این رویکرد جدید دربارهٔ تفاوت‌های اخلاقی در فرهنگ‌های مختلف، بحث و براساس آن، رویکرد شهودی اجتماعی نسبت‌به اخلاق را توصیف کرد. برخلاف نظریه‌های غالب اخلاق، که استدلال اخلاقی به‌سادگی، به عنوان یک عقلانیت شکل‌گرفته بعد از قضاوت عمل می‌کند، در نظریهٔ مبانی اخلاقی، نگرانی‌های اخلاقی افراد براساس پنج مبنای مراقبت (گرامی‌داشتن و محافظت از دیگران)، انصاف یا تناسب (اجرای عدالت براساس قوانین مشترک)، وفاداری (در کنار گروه، خانواده، ملت خود ایستادن)، اقتدار یا احترام (تسلیم در برابر سنت و اقتدار مشروع)، تقدس یا پاکی (نفرت از چیزهای ناپسند)، توصیف می‌شود. به نظر هایت (2001)، ارزیابی اخلاقی از شهود سریع و هیجان‌ها برمی‌خیزد و این فرایند اخلاقی به شهود بیشتر از استدلال وابسته است (ضیایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۶). براساس این تعریف، قضاوت اخلاقی در مواقعی به ضرر ناگهانی منجر می‌شود که بار عاطفی در یک وضعیت بیشتر است.

در مطالعات فرهنگی هم به این موضوع تأکید می‌شود که تفاوت‌های فرهنگی در شیوه‌های استدلال افراد نسبت‌به جهان وجود دارد. به این ترتیب افراد در فهم‌های خود از یک پدیده یا رخداد، تفاوت‌های بارزی در استدلال شهودی یا تحلیلی نسبت‌به آن پدیده را نشان می‌دهند. استدلال مشابهی هم از سوی فمینیست‌ها در زمینهٔ نظریه‌های اخلاقی بر پایهٔ برساخت‌گرایی وجود دارد. آنها معتقدند ملاک‌های موجود اجتماعی بر مبنای تجارب مردانه قرار دارد و بنابراین در کاربرد واژه‌هایی مانند «نابهنجاری» ازنظر آنها تردید وجود دارد. کرول گیلیگان[3] (2008) معتقد است «استدلال و دلایل اخلاقی زنان و مردان با هم فرق دارد، زنان رشد اخلاقی

[1] Haidt
[2] Richard Allan Shweder
[3] Carol Gilligan

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

متمایز، اما موازی با رشد اخلاقی مردان دارند؛ زیرا دیدگاه‌های اخلاقی ناشی از تجربه‌های زندگی متفاوت زنان و مردان است» (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۲۸۷). بدیهی است که این تفاوت در درک از نابهنجاری، زمینه‌ساز اختلافات جدی در زمینهٔ قضاوت‌های اخلاقی بین زوجین می‌شود.

«در رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی آنچه مهم است، ادراکات و معانی ذهنی است. براساس این نظریه، ما بر پایهٔ معانی و ادراکاتمان از جهان، به مسائل اجتماعی واکنش نشان می‌دهیم، جهان اطراف و مسائل اجتماعی را که با آن روبه‌رو می‌شویم، با مقولات ذهنی‌مان درمی‌یابیم. بخشی از تجربهٔ همهٔ انسان‌ها، مقوله‌بندی‌کردن است که درواقع، بخش گسترده‌ای از ادراکات و تصورات ما را می‌سازد» (میرحسینی و کوه‌پیمای رونیزی، ۱۴۰۰: ۷۹). آنچه در اینجا اهمیت می‌یابد، متقاعدکردن مخاطبان نسبت‌به مسئله یا واقعیت است. واقعیت اجتماعی از روابط متقابل و تعاریف مشترک میان افراد سرچشمه می‌گیرد و آگاهی ذهنی افراد از راه معانی مشترک و معیاربندی‌شده، در قالب شیوه‌های نهادی‌شدهٔ رفتار، عینیت پیدا می‌کند (برگر و لاکمن، ۱۳۹۹).

پایبندی به اعتقادات

یکی دیگر از عوامل ساختاری مرتبط با اختلال در روابط زوجین، اعتقادات، تفاوت‌های اعتقادی و پایبندی به اعتقادات است. «صرف‌نظر از جنبه‌های ارزشی و نمادین روابط اجتماعی که از خلال دین برملا می‌شود، آنچه مسلم به نظر می‌رسد، نقش اساسی و حساس آن در انسجام خانواده است. تا وقتی روحیهٔ دینی جامعه و تأثیر آن بر تودهٔ مردم به‌صورت درست و صحیح درک و احساس نشود، نمی‌توان به شناختی جامع و قابل اتکا دربارهٔ جامعه و ارزش‌های آن در درون خانواده دست یافت» (بابایی، ۱۳۹۴: ۸).

اعتقادات، فهم انسان‌ها را از معنای زندگی مشخص می‌کند و به این ترتیب، زناشویی میان زن و مردی که اعتقادات مختلف دارند، به چالش‌های فردی متفاوت اجتناب‌نشدنی منجر می‌شود؛ ازجمله اختلاف در تربیت فرزندان، سبک زندگی، رفتارهای اجتماعی و معاشرت با دیگران. زمانی که زوجین احساس می‌کنند شریک عاطفی‌شان آنها را درک نمی‌کند، به‌دنبال فردی می‌گردند تا خلأ عاطفی خود را در کنار او جبران کنند. این امر، زمینه‌ساز گسست و فروپاشی خانواده خواهد بود.

رفتارهای معنوی و مذهبی به سهم خود با ارضای نیازهای ذاتی افراد به وابستگی و ارتباط، عواطف منفی را کاهش می‌دهند و احساس امنیت را برای افراد فراهم می‌کنند (تاج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۴). «عقاید مذهبی به‌صورت نیروی خاص و نگهبان ازدواج دیده می‌شود که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد پایبندی مذهبی، تأثیر مستقیم روی عاطفهٔ خانوادهٔ مستقل از فعالیت‌های آن دارد» (چلبی و روزبهانی، ۱۳۸۰: ۹۸).

به نظر بل[1] (1976)، زناشویی میان زن و مردی که مذاهب مختلف دارند، به دشواری‌های شخصی و خانوادگی گوناگون می‌انجامد و تنها با ارادهٔ استوار از آنها پرهیز می‌شود؛ زیرا باورهای مذهبی همیشه و در همه جا، سرچشمهٔ بنیادین تلقیات جمعی بوده‌اند و البته این تلقیات خود نمودار و نمایشگر اخلاقیات دربارهٔ زن و مرد است (ساروخانی، ۱۳۹۸: ۶۳). هادن[2] (1983) معتقد است که دین‌داری، عامل اساسی اجتماعی‌شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است. درواقع مذهب ازطریق حمایت از ارزش، فعالیت‌های خانواده و ازطریق تسهیل در امر سازگاری با مشکلات، زندگی را جذاب‌تر می‌کند (بابایی، ۱۳۹۴: ۹). هادن (1983) به این نتیجه دست یافت که تفاوت در میزان شادی‌بخش‌بودن زندگی دارای مذهب مشابه و زوجین دارای مذهب متفاوت، به سطح مذهبی‌بودن افراد وابسته است، به این صورت که اشخاص دارای مذهب متفاوت، سطح پایین‌تری از مذهبی‌بودن را نشان

[1] Ball
[2] Haddon

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

می‌دهند و این مسئله با افزایش اختلافات مذهبی، به کاهش سطح روابط و درنهایت تیرگی سطح روابط زوجین منجر می‌شود (کریمی ثانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

اگرچه به عقیدهٔ لوگال[1] (1981)، تا پیش از ازدواج نیز، مذهب در رفتار جوانان مؤثر است، پس از زناشویی، تفاوت در اعتقادات و یا پایبندی به آن، دشواری‌های فراوانی برای زوجین فراهم می‌کند و باعث ایجاد بگومگوهای دائمی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۸: ۶۴)؛ اما لوینگر[2] (1976) در نظریات خود، الزام مذهبی را به‌همراه مفهوم «تعهد نسبت به پیوند خانوادگی»، مانعی بر سر راه طلاق معرفی می‌داند (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۵).

پیشینهٔ تجربی پژوهش

مروری بر پیشینهٔ پژوهش‌های انجام‌یافته در موضوع تحقیق، نشان می‌دهد ارزش‌های مذهبی و اخلاقی از عوامل درخور توجه در تعارضات خانوادگی است. ژیانی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با هدف بررسی چالش‌ها و تعارض‌های فرهنگی–ارتباطی زوجین در معرض طلاق، در یک مطالعهٔ کیفی در شهر تهران نشان می‌دهند پایبندنبودن به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، با طلاق زوجین مرتبط است. میرحسینی و کوه‌پیمای رونیزی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «واکاوی فهم ادراک‌شدهٔ زنان از آسیب‌های حوزل خانواده (مورد مطالعه: زنان شهر فسا)»، دو دسته آسیب‌های محتوایی را که بیشتر بر بعد روابط درونی خانواده متمرکز است و نیز آسیب‌های ساختاری را شناسایی و معرفی کرده‌اند که به عوامل بیرونی اشاره دارند. آسیب‌های محتوایی شامل سه مقولهٔ اصلی والدگری تعمیم‌یافته، شکل‌گیری پیله‌های تنهایی و دنیای فردی‌شده و اختلافات و ناسازگاری‌های مداوم و مزمن خانوادگی تأکید دارد. فولادی وندا (۱۳۹۹) نیز در یک پژوهش اسنادی دربارهٔ آسیب‌شناسی خانواده، به این نتیجه دست یافته است که سست‌شدن نگرش‌های ارزشی به تقدس نهاد خانواده در جامعهٔ معاصر، زمینه‌ساز بروز چالش‌های خانوادگی است. دهدست و قبادی (۱۳۹۹) در تبیین شاخص‌های گسست در خانوادهٔ ایرانی متأثر از فرایند نوسازی به روش کیفی، با تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در بازهٔ زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷، عوامل مرتبط با گسست خانواده در جامعهٔ ایرانی را در دو حوزهٔ کلان و خرد دسته‌بندی کرده‌اند. دهقانی تفتی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در تحقیق با هدف بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق زنان شهر تهران، دریافتند که طلاق عاطفی بر میزان رشد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیری نداشته است، ولی بر میزان روابط نامناسب زناشویی (خیانت)، رضایت زناشویی و انزوای اجتماعی تأثیرگذار است. سیفی قوزلو و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با هدف بررسی رابطهٔ بین اخلاق، ارزش‌های شخصیتی و رضایت زناشویی در بین زوجین شهر مغان، نشان داده‌اند که بین اخلاق و مؤلفه‌های آن و ارزش‌های شخصیتی با رضایت زناشویی رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های ابراهیمی و بنی فاطمه (۱۳۹۱) از پژوهش دربارهٔ طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده، نشان می‌دهد که پایبندی به اعتقادات و تفاهم اعتقادی، یک رابطهٔ معکوس با طلاق عاطفی دارد. عظیمی رستا و عابدزادهٔ نوبریان (۱۳۹۲) نیز با هدف بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی زنان متأهل شهر تهران، تحقیقی انجام داده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد میزان پایبندی زوجین به اعتقادات دینی، میزان دخالت خانوادهٔ زوج، رابطهٔ معناداری با طلاق عاطفی دارد. نتایج تحقیق مصلحی و احمدی (۱۳۹۲) در تحقیق، برای بررسی نقش زندگی مذهبی در رضایتمندی زناشویی زوجین نشان داد که داشتن تفاهم اعتقادی، یکی از عوامل تأثیرگذاز در پایبندی زوجین نسبت‌به هم و رضایتمندی از زندگی مشترکشان است.

دوبا سائورهبر و همکاران[3] (2020) در مطالعهٔ رابطهٔ بین رضایت زناشویی، ایمان مذهبی و جهت‌گیری سیاسی در افراد

[1] Lugal
[2] Luinger
[3] Duba Sauerheber et al.

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

متأهل مسیحی نشان دادند که ایمان مذهبی قوی‌تر، رضایت زناشویی بیشتری را به‌همراه دارد. محققان برای تکمیل نظرسنجی خود، ایمیل‌هایی به جامعهٔ دانشگاهی و کشیشان و رهبران تقریباً ۶۰۰ کلیسای بزرگ ارسال کردند. نمایندگان ۳۴ کلیسا موافقت کردند که دعوت‌نامه را ازطریق فهرست سرویس‌های ایمیل، فیس‌بوک یا بولتن‌ها در میان جماعات خود توزیع کنند. نتایج نشان داد به‌طور کلی، همبستگی مثبت هرچند نسبتاً ضعیف، بین متغیرهای اصلی پژوهش وجود دارد. شرکت‌کنندگان مسیحی متأهل در این مطالعه، از ازدواج خود بسیار راضی بودند، اعتقاد مذهبی قوی داشتند و بیش از نیمی از آنها محافظه‌کار بودند.

امان و همکاران[1] (2019)، در بررسی رابطهٔ دین‌داری و رضایت زناشویی، با مطالعهٔ نقش تعهد مذهبی و اعمال مذهبی بر رضایت زناشویی در میان پاسخ‌دهندگان پاکستانی، نشان دادند تعهد دینی و عمل دینی برای یک زندگی زناشویی سعادتمند حیاتی است. به نظر آنها رضایت زناشویی خانواده‌ها به پویایی اجتماعی در فرهنگ پاکستان کمک می‌کند و تعهد دینی و عمل دینی، اسباب تقویت و ارتقای رضایت زناشویی است.

الیسون و همکاران[2] (2011) در تحقیق برای بررسی رابطهٔ اختلافات زناشویی و طلاق والدین بر زندگی مذهبی و معنوی جوانان نیز، نشان داده‌اند که داشتن زندگی زناشویی توأم با خوشحالی و لذت‌بخش با داشتن تفاهم اعتقادات مذهبی، امکان‌پذیر است. چایون و پانتام[3] (2010) در تحقیقی برای بررسی رابطهٔ مذهب و رضایت از زندگی به این نتیجه رسیدند که دلیل رضایت از زندگی در افراد مذهبی، کسب حمایت اجتماعی و بهره‌مندی از آثار مثبت باورهای مذهبی در زندگی است. کلارک[4] (2009) نیز در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر مذهب بر رضایت از زندگی نشان داده است که به هر میزان فضای حاکم بر زندگی مذهبی‌تر باشد، رضایت از زندگی بیشتر خواهد بود. هاسلی[5] (2006) با هدف بررسی رضایت زناشویی در میان زوج‌های تازه ازدواج کرده و ارتباط آن با دین‌داری، دریافتند که زوج‌های با اعتقادات مذهبی مشابه، رضایت زناشویی بالاتری دارند.

نتایج پژوهش گانت[6] (2006) نیز با هدف بررسی شباهت زوجین و رضایت زناشویی نتایج، حاکی از آن است که هم‌عقیده‌بودن زوجین باهم، اختلافات زوجین را کاهش می‌دهد.

براساس پیشینهٔ نظری مطرح‌شده و با توجه به تأکید نظریه‌های موجود بر همبستگی اعتقادات و اخلاقیات با رضایت زناشویی و تحکیم نهاد خانوادهٔ پژوهش حاضر در پی بررسی رابطهٔ بین پایبندی به اعتقادات و نه صرفاً معتقدبودن افراد با گسست خانواده برآمده است. همچنین رابطهٔ بین قضاوت‌های اخلاقی افراد و نه صرفاً پایبندی به اخلاق یا اخلاق‌مداربودن فرد با گسست خانواده بررسی شده است. جدول ۱، نظریه‌هایی را نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش آنها را پشتیبانی می‌کند.

[1] Aman et al.
[2] Ellison et al.
[3] Chaeyoon and Putnam
[4] Clark
[5] Hasely
[6] Gantt

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

جدول ۱- نظریه‌های پشتیبان متغیرهای تحقیق

Table 1- Supporting theories of research variables

نظریه	متغیر
نظریهٔ نظم خرد، چلبی و روزبهانی (۱۳۸۰) و نظریهٔ کارکردگرایی، پارسونز	گسست خانواده
نظریهٔ مبانی اخلاقی، هایت (2001)	قضاوت اخلاقی
نظریهٔ تأثیر تفاهم اعتقادی در روابط زوجین، بل (1976)، هادن (1983) و لوگال (1981)	تفاهم اعتقادی

از این رو با توجه به متغیرهای مدنظر، فرضیه‌های زیر مطرح و بررسی شده است:

بین پایبندی اعتقادی افراد با گسست خانواده، رابطه وجود دارد.

بین قضاوت اخلاقی افراد با گسست خانواده، رابطه وجود دارد.

بین ابعاد سازندهٔ قضاوت اخلاقی با گسست خانواده، رابطه وجود دارد

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است؛ زیرا قصد دارد مباحث نظری را به‌صورت تجربی آزمون کند تا بتواند نتایج آن را برای حل چالش‌های موجود در موضوع پژوهش به کار گیرد. به‌لحاظ زمانی، ازجمله تحقیقات مقطعی است که در بازهٔ زمانی اردیبهشت تا دی ماه ۱۴۰۱ انجام شده است. پژوهش براساس نحوهٔ گردآوری داده‌ها، از نوع پیمایشی است و به‌لحاظ بررسی روابط بین متغیرها، از نوع مطالعهٔ همبستگی است.

جامعهٔ آماری تحقیق، کلیهٔ افراد متأهل ساکن در منطقهٔ ۷ ، ۸ و ۵ شهرداری تبریزند که براساس آخرین آمار ارائه‌شده از سوی شهرداری تبریز، تعداد کل ساکنان آنها ۳۱۱۳۸۰ نفر و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران از میان کل جمعیت آماری، تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شده است و با در نظر گرفتن اینکه ممکن است بعضی از پرسش‌نامه‌ها مخدوش و یا ناقص پاسخ داده شوند، حجم نمونه به ۳۹۰ نفر افزایش یافته است. نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای انجام یافته و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است که سؤالات آن براساس ترکیبی از سؤالات پرسش‌نامه‌های استاندارد و سؤالات مطرح‌شدهٔ محقق تنظیم شده است. درنهایت بعد از بررسی پرسش‌نامه‌های گردآوری‌شده، اطلاعات ۳۵۹ پرسش‌نامهٔ کامل، وارد محاسبات آماری شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

گسست خانواده

خانوادهٔ گسسته، زمانی شکل می‌گیرد که همنوایی بین اعضا برای رعایت هنجارها و ارزش‌ها وجود نداشته باشد و رعایت‌نکردن رسوم اخلاقی، اهمیت‌ندادن به کردارها و کنش‌های از سوی اعضا مشاهده شود (حسن‌زاده، ۱۴۰۰).

برای سنجش گسست خانواده، پرسش‌هایی به‌جهت ارزیابی مواردی نظیر اختلافات مالی، سوءتفاهم جنسی، مشکلات جسمانی و بهداشتی، رضایت‌نداشتن از ظاهر همسر، نارضایتی از ویژگی‌های شخصیتی همسر، تعارض بین زوجین، ناکارآمدی ارتباط با همسر، بدرفتاری با کودکان، اختلاف دربارهٔ پرورش فرزندان، ممانعت از کار، تحصیل و ارتباط اجتماعی متعارف همسر، غفلت از تأمین مایحتاج ضروری زندگی، رفتارهای ضد اجتماعی مثل مصرف مواد مخدر یا مشروبات الکلی، افزایش خشونت بین زوجین، تمایل به گریز از خانه در قالب ۳۱ سؤال محقق‌ساخته تنظیم و جواب‌های آن به‌صورت ۵ گزینه‌ای براساس طیف لیکرت، با امتیازدهی از ۱– ۵ بررسی شده است. نمره‌دهی به پاسخ‌ها بر این اساس انجام شده است که پاسخ‌های مثبت به سؤالات مؤید اختلال در روابط خانوادگی، نمرهٔ بالاتری دریافت

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

کرده‌اند. به این ترتیب هرچه نمرهٔ نهایی اخذشده از پاسخ به سؤالات بیشتر باشد، نشان‌دهندهٔ اختلال بیشتر در روابط خانواده و نزدیک‌ترشدن به معنای گسست است.

قضاوت اخلاقی

اخلاق مجموعه‌ای از قواعد مشترک است که برای دستیابی به ارزش‌های غایی و اجتماعی، به شکل داوطلبانه و غیرمشروط، برای کنش اجتماعی ویرایش شده است؛ این ویرایش، کنشگران اخلاقی را به‌سمت آرمان‌ها، پرهیزگاری و لحاظ‌کردن سود و زیان دیگر اعیان اجتماعی در تابع سود و زیان خود، سوق می‌دهد (جلیلی تل چگاه و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۲). برای سنجش متغیر قضاوت اخلاقی، پرسش‌هایی در قالب پنج مؤلفه براساس پرسش‌نامهٔ بنیان‌های اخلاقی به کار رفته است، شامل مراقبت (گرامی‌داشتن و محافظت از دیگران)، انصاف، وفاداری به گروه، احترام به مرجعیت، خلوص و پاکی.

پایبندی اعتقادی

اعتقادات مذهبی، باور به واقعی‌بودن جنبه‌های اسطوره‌ای، فراطبیعی یا معنوی یک دین است. اعتقاد مذهبی از ایده‌های منحصر به فرد دین مشتق شده است و معمولاً مسائل هستی، ویژگی‌ها و پرستش یک خدا یا خدایان، معجزات در گیتی و زندگی انسان یا توضیح وظیفه‌گرایانهٔ ارزش‌ها بر محور آموزه‌های یک رهبر معنوی یا گروه مذهبی را بررسی می‌کند (روشن و بخشی، ۱۳۹۵: ۱۶۵). برای سنجش پایبندی اعتقادی، از پرسش‌نامهٔ گلریز (۱۳۵۳) استفاده شده است که عباسی و همکاران (۱۳۹۵) آن را به کار برده‌اند.

سطح سنجش متغیرهای قضاوت اخلاقی و پایبندی اعتقادی رتبه‌ای است و سنجش با استفاده از طیف لیکرت انجام شده است. نمره‌دهی به هر پاسخ با اختصاص نمره‌ای بین ۱ تا ۵ انجام شده است. محاسبات مربوط به بررسی معنی‌داری روابط بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵درصد انجام شده است. روایی پرسش‌نامه به‌صورت صوری و با ارائهٔ آن به استادان متخصص بررسی و سپس برای پیش آزمون، ۵۰ پرسش‌نامهٔ اولیه از مناطق بررسی‌شده تکمیل شده است؛ نمونه‌گیری نهایی پس از بررسی اولیه و محاسبهٔ آلفای کرونباخ برای اطمینان از پایایی پرسش‌نامه و اطمینان‌یافتن از مناسب‌بودن سؤالات، انجام شده است. نتایج بررسی پایایی نهایی برای متغیرها بررسی‌شده به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲- نتایج محاسبهٔ آلفای کرونباخ برای متغیرهای بررسی‌شده در پژوهش

Table 2- Cronbach's alpha calculation results for the research variables

متغیر	گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
گسست خانواده	۳۱	۰/۸۷۹
قضاوت‌های اخلاقی	۱۸	۰/۸۶۰
پایبندی اعتقادی	۵	۰/۸۰۰

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

از میان پاسخگویان داوطلب که در این تحقیق مشارکت داشته‌اند، ۱۸۰ نفر مرد و ۱۷۹ نفر زن‌اند. جوان‌ترین پاسخگو ۱۶سال و مسن‌ترینشان ۸۰ سال دارند. ازنظر میزان تحصیلات، بیشترین میزان با ۳۰/۱درصد در سطح دبیرستان و کمترین آن با ۶/۴درصد فراوانی مربوط به افراد فاقد توانایی خواندن و نوشتن است. همچنین کمینه و بیشینهٔ تحصیلات همسران پاسخگویان نیز به ترتیب ۶/۱درصد مربوط به فوق لیسانس و بالاتر و ۲۷/۹درصد در سطح راهنمایی است. ازنظر نوع شغل، بیشترین فراوانی با ۴۰/۱درصد مربوط به خانه‌داری و کمترین فراوانی با ۱/۱درصد مربوط به گروه بیکار است. دربارهٔ همسران پاسخگویان نیز بیشترین درصد فراوانی مربوط به خانه‌داری و کمترین فراوانی با ۰/۸درصد مربوط به گروه بیکار است. ازنظر میزان درآمد خانواده، بیشترین فراوانی

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

مربوط به خانواده‌های با سطح درآمد ۶ تا ۹ میلیون تومان با ۳۰/۴درصد است و کمترین فراوانی مربوط به سطح درآمد کمتر از ۳ میلیون تومان با ۴/۴درصد است.

یافته‌های مربوط به متغیرهای قضاوت اخلاقی و مؤلفه‌های آن و همچنین متغیر پایبندی اعتقادی در جدول ۳ درج شده است. مشاهده می‌شود که متغیر قضاوت اخلاقی با میانگین محاسبه‌شدهٔ ۳۳/۶۲۸، نمره‌ای بیش از متوسط نمرهٔ اکتساب‌شدنی را برای این متغیر کسب کرده است، یعنی در افراد بررسی‌شده، قضاوت‌های شخصی دربارهٔ اخلاق، ملاک ارزیابی و کنش‌های آنهاست.

میانگین محاسبه‌شده برای متغیر پایبندی اعتقادی، ۲۳/۲۹ است که از مقدار متوسط ممکن برای این متغیر بیشتر است، یعنی میزان پایبندی به اعتقادات بین افراد بررسی‌شده، بیش از متوسط اکتساب‌شدنی براساس پرسش‌های مطرح‌شده است.

جدول ۳- آماره‌های توصیفی مربوط به قضاوت اخلاقی و پایبندی اعتقادی

Table 3- Descriptive statistics related to moral judgment and adherence to believes

متغیر	کمینه	میانگین		بیشینه	انحراف استاندارد	چولگی		کشیدگی	
		آماره	خطای استاندارد			آماره	خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد
قضاوت اخلاقی	۱۷	۳۳/۶۲۸	۰/۴۴۸	۶۵	۸/۵۲	۰/۴۵۳	۰/۱۲۸	۰/۱۲۴	۰/۲۵۶
مراقبت	۱	۲/۸۳۴۳	۰/۰۶۵۱۱	۵	۱/۲۳۸۸۶	۰/۱۶۰	۰/۱۲۸	−۰/۸۲۴	۰/۲۵۶
انصاف	۵	۹/۲۰۴۴	۰/۱۶۹۴۲	۲۱	۳/۲۲۳۳۹	۰/۷۱۰	۰/۱۲۸	۰/۱۹۱	۰/۲۵۶
وفاداری به گروه	۴	۸/۲۴۹۳	۰/۱۶۲۲۶	۱۸	۳/۰۸۲۹۱	۰/۵۱۲	۰/۱۲۸	−۰/۰۹۰	۰/۲۵۶
احترام به مرجعیت	۵	۹/۹۲۵۴	۰/۱۶۷۷۴	۲۱	۳/۱۹۱۴۸	۰/۴۷۴	۰/۱۲۸	−۰/۰۸۹	۰/۲۵۶
خلوص	۳	۶/۲۴۳۱	۰/۱۳۰۰۰	۱۴	۲/۴۷۳۴۶	۰/۵۷۱	۰/۱۲۸	۰/۰۰۸	۰/۲۵۶
پایبندی اعتقادی	۱۲	۲۳/۲۹	۰/۲۷۶	۳۵	۵/۲۵۷	۰/۰۰۵	۰/۱۳۰	−۰/۷۹۳	۰/۲۵۶

نتایج جدول ۴، آماره‌های مربوط به متغیر گسست خانواده را نشان می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده، میانگین گسست خانواده برابر ۳۱/۳۹۶۱ است که از مقدار متوسط اکتساب‌شدنی در مقیاس به کار برده شده برای سنجش آن بیشتر است.

جدول ۴- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر گسست خانواده

Table 4- Descriptive statistics related to the family breakdown variable

متغیر	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
گسست خانواده	۱۰۶/۶	۵۶	۱۷۰	۲۵/۸۳۱	۶۶۷/۲۶۶	۰/۱۵۹	۱/۲۰۸

برای بررسی نرمال‌بودن داده‌ها، از محاسبهٔ نسبت چولگی و نسبت کشیدگی استفاده شده است. مشاهده می‌شود که برای متغیرهای تحقیق، عدد حاصل در بازهٔ [۲ و ۲−] قرار می‌گیرد و توزیع داده‌ها را نرمال در نظر گرفته می‌شود. چولگی و کشیدگی داده‌ها، دو آزمون آماری است که برای بررسی نرمال‌بودن توزیع از آن استفاده شده است. برای یک توزیع کاملاً متقارن، چولگی صفر و برای توزیع نامتقارن، کشیدگی به‌سمت مقادیر بالای چولگی مثبت و در توزیع نامتقارن با کشیدگی به‌سمت مقادیر کوچک‌تر، مقدار چولگی منفی است. کشیدگی نیز معیاری از بلندی منحنی در نقطهٔ ماکزیمم است

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر ۳ است. کشیدگی مثبت، یعنی قلهٔ توزیع از توزیع نرمال بالاتر و کشیدگی منفی نشانهٔ پایین‌تربودن قله از توزیع نرمال است (امین مظفری و پاداش اصل، ۱۳۸۹: ۲۵-۳۱).

یافته‌های استنباطی

برای بررسی وجود رابطهٔ بین متغیرهای قضاوت اخلاقی و مؤلفه‌های سازندهٔ آن با متغیر وابسته و نیز پایبندی اعتقادی با متغیر وابسته، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده در جدول ۵ نشان می‌دهد بین این متغیرها با گسست خانواده، رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. به‌عبارتی جهت رابطه با متغیر پایبندی اعتقادی با گسست خانواده، معکوس و شدت رابطه در حد ضعیفی است، یعنی با بالارفتن اپایبندی اعتقادات بین زوجین، گسست خانواده در بین زوجین کمتر رخ می‌دهد. همچنین متغیر قضاوت اخلاقی با گسست خانواده، رابطهٔ مستقیمی دارد و شدت رابطه در حد ضعیف است.

جدول ۵- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر قضاوت اخلاقی و پایبندی اعتقادی با گسست خانواده

Table 5- The results of the Pearson correlation coefficient test between the variable of moral judgment and adherence to beliefs with family breakdown

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
پایبندی اعتقادی	-۰/۱۵۷	۰/۰۰۳
قضاوت اخلاقی	۰/۱۴۵	۰/۰۰۶

نتایج مربوط به مؤلفه‌های سازندهٔ قضاوت اخلاقی نشان می‌دهد از میان آنها، انصاف، مراقبت، وفاداری به گروه و احترام به مرجعیت، رابطهٔ معنی‌داری با متغیر وابستهٔ پژوهش دارند. به این ترتیب در نهاد خانواده، هرچه قضاوت‌های فردی دربارهٔ این مؤلفه‌ها، به‌عنوان ملاک‌های اخلاقی مدنظر قرار گیرد و استدلال‌های اخلاقی بر پایهٔ قضاوت‌های شخصی، جای عقلانیت اخلاقی را بگیرد، احتمال وقوع تعارض و درنتیجه احتمال وقوع گسست در خانواده بیشتر خواهد شد.

جدول ۶- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های قضاوت اخلاقی با گسست خانواده

Table 6- The results of the Pearson correlation coefficient test between the components of moral judgment and family breakdown

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
مراقبت	۰/۰۹۳	۰/۰۴۱
انصاف	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰
وفاداری به گروه	۰/۱۶۰	۰/۰۰۲
احترام به مرجعیت	۰/۰۹۸	۰/۰۳۳
خلوص و پاک‌دامنی	۰/۰۴۷	۰/۱۹۱

بررسی روابط چند متغیره

در پژوهش حاضر از تحلیل رگرسیونی چندگانه به روش گام به گام برای بررسی هم‌زمان رابطهٔ چند متغیر و همین‌طور پیش‌بینی تأثیر اندازهٔ تغییر متغیر وابسته به ازای تغییر متغیرهای مستقل، استفاده شده است. در این تحلیل، تأثیر متغیرهای پایبندی اعتقادی و مؤلفه‌های سازندهٔ قضاوت اخلاقی به‌همراه متغیرهای سن و تحصیلات بر متغیر گسست خانواده مدنظر است. جدول ۷، نتایج کلی آزمون رگرسیون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. جدول ۸ نیز ضرایب استاندارد (Beta) را برای مقایسهٔ سهم تأثیر هریک از متغیرها نشان می‌دهد.

جدول ۷: آماره‌های تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین با گسست خانواده

Table 7: Regression analysis statistics of predictor variables with family breakdown

ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین R	ضریب تعیین تعدیل‌شده	اشتباه معیار	دوربین واتسون
۰/۳۸۳	۰/۱۴۷	۰/۱۳۲	۲۴/۰۵۷	۱/۸۸۸

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

جدول ۸- نتایج تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره

Table 8- Results of multivariate regression analysis of variance

آنالیز واریانس					
	مجموع نمرات	درجهٔ آزادی	میانگین نمرات	کمیت F	معنی‌داری
اثر رگرسیونی	۲۰۰۴۲/۷۳۴	۶	۵۷۱۸/۹۲۶		
باقی‌مانده	۱۹۹۶۷۱/۳۱۹	۳۴۵	۲۰۴/۳۳۳	۹/۸۸۱	۰/۰۰۰
کل	۲۳۳۹۸۴/۸۷۳	۳۵۱			

ضرایب رگرسیونی					
متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	t	معنی‌داری
	B	خطای استاندارد	Beta		
مقدار ثابت	۸۹/۳۹۱	۷/۷۱۰		۱۱/۵۹۴	۰/۰۰۰
پایبندی اعتقادی	۰/۹۱۲	۰/۲۶۸	۰/۳۰۵	۳/۴۰۲	۰/۰۰۱
قضاوت اخلاقی	۶/۰۸۵	۲/۷۵۷	۰/۱۲۲	۰/۲۰۷	۰/۰۲۸
مراقبت	۰/۳۶۶	۰/۴۶۴	۰/۰۴۶	۰/۷۸۹	۰/۴۳۱
انصاف	۶/۳۸۱	۱/۰۴۸	۰/۱۴۵	۶/۰۹۰	۰/۰۰۰
وفاداری نسبت‌به گروه	۱/۲۰۶	۰/۴۷۴	۰/۱۴۷	۲/۵۴۲	۰/۰۱۱
احترام به مرجعیت	۰/۵۲۱	۰/۴۹۸	۰/۰۶۲	۱/۰۴۵	۰/۲۹۷
خلوص و پاکی	۰/۹۰۹	۰/۶۲۶	۰/۰۸۷	۱/۴۵۱	۰/۱۴۸
تحصیلات پاسخگو	۵/۹۰۷	۱/۷۴۰	۰/۲۹۶	۳/۳۹۵	/۰۰۱
سن پاسخگویان	۲/۸۵۹	۰/۸۴۴	۰/۱۷۹	۳/۳۹۸	/۰۰۱

نتایج نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌های سازندهٔ متغیر قضاوت اخلاقی، دو مؤلفهٔ انصاف و وفاداری به گروه به‌همراه متغیر پایبندی اعتقادی، سن و تحصیلات پاسخگو، به شکل خطی در ایجاد تغییرات بر متغیر وابسته تأثیر دارند.

بحث و نتیجه

همچون بسیاری از نهادهای اجتماعی، خانوادهٔ ایرانی نیز دستخوش تغییرات اجتماعی فراوانی در جامعهٔ معاصر شده و نهاد خانواده را با چالش‌های فراوانی روبه‌رو کرده است، بدیهی است که نادیده‌گرفتن یا انکارکردن مسائل و مشکلات، بنیان خانواده را با خطر سستی و حرکت به‌سوی از هم گسیختگی مواجه می‌کند؛ از این رو پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطهٔ بین قضاوت اخلاقی و پایبندی اعتقادی با گسست در نهاد خانواده انجام شده است.

یافته‌های تحقیق، وجود رابطهٔ معنادار و مثبت بین متغیر قضاوت اخلاقی و گسست خانواده را نشان می‌دهد. این یافته حاکی از آن است زمانی که اخلاق نه براساس استدلال عقلانی و بر مبنای تعاریف شناخته شدهٔ آن، بر پایهٔ ملاک‌های اخلاقی، براساس قضاوت‌های فردی دربارهٔ ارزش‌ها و باورهای اجتماعی باشد، مسئلهٔ اخلاق به یکی از علل بروز اختلاف‌نظر و تعارض بین اعضای خانواده تبدیل می‌شود. به این ترتیب هرچه قضاوت اخلاقی افراد بالاتر باشد، نهاد خانواده بیشتر با خطر گسست روبه‌رو می‌شود. افزایش این تعارض‌ها به‌ویژه بین زوجین، به‌سرعت به سردشدن روابط خانوادگی و گسست عاطفی بین آنها منجر می‌شود. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات ژیانی و همکاران (۱۴۰۰)، سیفی قوزلو

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

و همکاران (۱۳۹۴) و همچنین عظیمی رستا و عابدزادهٔ نوبریان (۱۳۹۲) همسو است.

اساساً فرآیند حل مسائل با یک ساختار فردی و برداشت ذهنی از مسائل آغاز می‌شود. بر این اساس هر فرد، راهبردی برای حل مسائل یا تصمیم‌گیری به کار می‌گیرد. فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی در ارتباط با موضوعاتی که برای آنها رهنمودها یا استانداردهای صریح و روشن موجود باشد و تعارضی بین اصول وجود نداشته باشد، بسیار سریع رخ می‌دهد و به حل موضوع اخلاقی منجر می‌شود؛ اما برخی موضوعات اخلاقی که به‌آسانی حل‌شدنی نیستند، به آشفتگی خاطر منجر شوند و ممکن است نیازمند تبادل نظرهای زمان‌بر باشند. اختلاف‌نظر در این باره به تعارض بین افراد منجر می‌شود.

فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی، زمانی آغاز می‌شود که شخص با وضعیت بغرنج اخلاقی مواج می‌شود. شخص در پی آن قضاوت می‌کند و نیات رفتاری خود را شکل می‌دهد (که نیات رفتاری بر این فرض استوار است که پیش‌بینی‌کنندهٔ رفتار واقعی باشد). این فرآیند متأثر از فاکتورهای فردی، موقعیتی و احتمالی است. یکی از مفاهیم درخور توجه در آموزه‌های دینی نیز، بحث کفائت اخلاقی است که به معنای همسانی نسبی زن و شوهر در صفات نفسانی و خصلت‌های اکتسابی است که در زمان ازدواج و تشکیل نهاد خانواده، موجب تکامل روح و ثبات در روابط زوجین و سازگاری در روابط خانواده می‌شود. براساس نظریهٔ مبانی اخلاق «هایت» (2001) نیز، رعایت ضوابط اخلاقی، یکی از مفاهیم اساسی در برقراری ارتباط بین افراد است. این امر اشاره می‌کند که قضاوت اخلاقی در روابط بین افراد به ضرر منجر شود؛ زیرا درک متفاوت از یک موضوع، به تفاوت در استدلال شهودی یا تحلیل نسبت‌به آن را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، براساس مؤلفه‌های سازندهٔ قضاوت اخلاقی، انصاف میان اعضای خانواده مهم است. ویژگی مقولهٔ انصاف آن است که چون فهم آن وابسته به فهم اجرای عدالت براساس قوانین مشترک، از سوی هر عضو خانواده بسیار چالش‌برانگیز است و بسیار اهمیت دارد که این درک از سوی دیگران به رسمیت شناخته شود؛ از این رو مؤلفهٔ انصاف سهم مهمی در ایجاد همسویی اعضا برای برقراری خانواده دارد. مؤلفهٔ وفاداری نیز دیگر مؤلفهٔ اخلاقی است که ایفای نقش می‌کند. این مؤلفه نیز در درون خود، شامل جنبه‌های روان‌شناختی فردی در ارتباط با ویژگی‌های پذیرش نقش در یک سیستم است و پذیرش حقوق و مسئولیت در برابر دیگران را برای اعضای خانواده به‌همراه دارد. وفاداری نشان می‌دهد هر عضو چقدر در کنار خانوادهٔ خود ایستاده است و از این رو نقش مهمی در فهم خانواده به‌منزلهٔ کانون امن از سوی اعضا دارد.

بررسی نتایج مربوط به بررسی فرضیهٔ دیگر تحقیق بیانگر آن بود که متغیر پایبندی اعتقادی و گسست خانواده، رابطهٔ معنی‌دار و معکوس‌اند، یعنی با افزایش پایبندی اعتقادی، گسست خانواده نیز کاهش پیدا می‌کند. نتایج رگرسیون چند متغیره هم گویای آن است که پایبندی اعتقادی، متغیری است که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است. این یافته با نظریات بل (1976)، لوگال (1981) و هادن (1983) مطابقت دارد. همچنین با تحقیقات ابراهیمی و بنی فاطمه (۱۳۹۱) و همچنین با نتایج کار مصلحی و احمدی (۱۳۹۲) همسو است.

اعتقادات و باورها از مهم‌ترین عوامل فرهنگی‌اند که به ارزش‌ها، کنش‌ها و تجربیات انسانی ساختار و معنا می‌بخشند. اعتقادات سیستمی متشکل از نیروهای معنوی است که انضباط و انسجام می‌بخشد، نقش‌ها و وظایف افراد را تبیین و مسئولیت آنها را در ارتباط با گروهی تبیین می‌کند که در آن قرار دارند. در نظریهٔ بل (1976)، به دو نکتهٔ مهم اشاره شده است: یکی تفاوت در شکل‌گیری شخصیت افراد به‌سبب پرورش‌یافتن در خانواده‌هایی که مذاهب مختلف دارند و دیگری تفاوت در نگاه به زن و مرد متأثر از باورها و اعتقادات آنها و بنابراین تفاوت در پذیرش نقش‌هایی است که آنها به‌عنوان رکن سازندهٔ خانواده باید ایفا کنند. براساس نظریهٔ بل

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.138598.1924

(1976)، این تفاوت‌ها برقراری رابطه در خانواده‌های با اعتقادات متفاوت را دشوار می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۸: ۶۳). نظریهٔ لوگال (1981) نیز، به تفاوت در اعتقادات و یا پایبندی به آن در دشوارکردن برقراری روابط بین زوجین اشاره می‌کند و به ایجاد بگومگوهای دائمی در خانواده منجر می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۸: ۶۴).

اعتقادات هر فرد باورهای بنیادینی است که بر بخش‌های مختلف زندگی او تأثیر می‌گذارد. اگرچه تمامی افرادی که دارای اختلاف در عقیده‌اند، دچار مشکل نمی‌شوند، بااین‌حال این موضوع تعریف متفاوت از مسائل مختلف و همین‌طور راهکارهایی را که برای حل مشکلات به‌همراه دارد. علاوه بر این، شاید احساس درک‌نشدن یا همراهی‌نداشتن موضوعی باشد که به‌تدریج فضای خانواده را به بستری نامناسب ازنظر روانی تبدیل می‌کند. در نظریهٔ هادن (1983) نیز به این نکتهٔ مهم تأکید شده است که پایبندی به اعتقادات ازطریق حمایت از ارزش‌های خانواده به سازگاری و دوام خانواده کمک می‌کند (بابایی، ۱۳۹۴: ۹). اعتقادات یکی از خصوصیات عمده در درون بافت ازدواج است. این خصوصیت با فعالیت‌هایی ارتباط دارد که زن و شوهر با هم انجام می‌دهند، زمانی که زن و شوهر در این زمینه به‌طور معناداری با هم تفاوت داشته باشند، ثبات روابط بین زوجین کاهش می‌یابد و خانواده به‌سمت بروز تعارض و درنهایت گسست حرکت می‌کند.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر برای پیشگیری از گسست خانواده ارائه شده است:

ایجاد و گسترش مراکز مشاوره برای به وجود آوردن بستر گفت‌وگو بین اعضای خانواده و ایجاد توافق بین آنها با تشخیص موارد افتراق نظر بین اعضای خانواده و کمک به حل تعارضات موجود؛

تأکید به اهمیت و نقش پایبندی به اعتقادات در حفظ و استحکام‌بخشی به بنیان خانواده در برنامه‌های مشاورهٔ خانواده در مراکز، نهادها و برنامه‌های مرتبط؛

تأکید برنامه‌های مشاوره‌ای به رعایت عقلانیت اخلاقی و پرهیز از قضاوت‌های اخلاقی افراد در حفظ و استحکام‌بخشی به بنیان خانواده؛

توجه بیشتر افراد و خانواده‌های آنها هنگام انتخاب همسر، به اعتقادات و اخلاق که عاملی برای تحکیم بنیان خانواده است.

منابع مالی

این مقاله مستخرج از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد است و حمایت مالی دیگری از آن نشده است.

منابع فارسی

آزاد ارمکی، ت.؛ مدیری، ف. و وکیلی، ع. (۱۳۸۹). *خانوادهٔ ایرانی، فروپاشی یا تغییرات بنیادی با بررسی نقش آموزش عمومی در بهبود وضع موجود*. *خانواده*، ۹ (۷)، ۶۳-۸۴.

ابراهیمی، س. و بنی فاطمه، ح. (۱۳۹۱). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۵(۱۷)، ۲۲-۷. doi: 10.30495/jzvj.2021.24814.3224

اعزازی، ش. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

امین مظفری، ف. و پاداش اصل، خ. (۱۳۸۹). *اصول آمار مقدماتی در علوم رفتاری (با کاربرد spss)*، تهران: جامعه‌شناسان.

بابایی، ن.؛ بلالی، ا.؛ نقدی، ا. و کریمی، ا. (۱۳۹۴). تأثیر میزان دین‌داری بر انسجام خانوادگی در شهر همدان. *توسعهٔ اجتماعی*، ۹(۴)، ۷-۲۶. doi:10.22055/qjsd.2015.11927

برگر، پ. و لاکمن، ت. (۱۳۹۹). *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمهٔ فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

تاج‌بخش، غ.؛ رمضانی، ر. و محمد میرزایی، م. (۱۳۹۷). واکاوی ابعاد دین‌داری زوجین درگیر در روابط فرا زناشویی: یک مطالعهٔ کیفی. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۴ (۲)، ۱۱۶-۹۳.

جلیلی تل چگاه، ف.؛ کلدی، ع. و آقاجانی، م. (۱۳۹۹). تحلیل

جامعه‌شناختی اخلاق اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۰(۳۴)، ۷۱.

چلبی، م. و روزبهانی، ت. (۱۳۸۰). نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان. *پژوهشنامهٔ علوم انسانی*، ۲۹(۱)، ۹۵-۱۳۲.

حسن‌زاده، ا. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی اجتماعی گسست خانواده‌ها. *پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام*، تهران، ۷.

درگاه ملی آمار. (۱۴۰۱). خانواده(طلاق)عمومی https://dadsoo.com/divorce-statistics-in-iran60

دهدست، ک. و قبادی، ش. (۱۳۹۹). تبیین شاخص‌های گسست در خانوادهٔ ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۳)، ۱۲۱-۱۵۸. doi:10.22054/qccpc.2020.47218.2230

دهقانی تفتی، ز.؛ محمدی، ا. و حقیقتیان، م. (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق زنان شهر تهران طی سال‌های ۹۷-۹۶ براساس معادلات ساختاری. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۱)، ۹۷-۱۱۵. doi:10.22108/SRSPI.2019.114366.1355

روشن، س. و بخشی، ف. (۱۳۹۵). تأثیر اعتقادات مذهبی مشتریان بر ارزش نام تجاری صنایع غذایی آستان قدس رضوی. *اندیشهٔ مدیریت راهبردی*، ۱۰ (۲)، ۱۸۸- ۱۶۳. doi: 10.30497/smt.2016.1952

ژیانی، ز.؛ دادگران، س. و رسولی، م. (۱۴۰۰). چالش ها و تعارض های فرهنگی ارتباطی زوجین در معرض طلاق (یک مطالعهٔ کیفی در تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۲)، ۶۵۴-۶۳۶. https://doi.org/10.22059/jisr.2021.308641.1108

ساروخانی، ب. (۱۳۸۱). *مقدمه بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.

سیفی قوزلو، س.؛ حمیدی، الف.؛ شریفی، گ. و خلیلی، ش. (۱۳۹۴). رابطهٔ بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین در شهر مغان. *مشاوران و روان درمانی خانواده*، ۵(۱)، ۱۱۷.

ضیایی، م.؛ پوراعتماد، ح. و حسن‌زادهٔ توکلی، م. (۱۳۸۹). آیا قضاوت اخلاقی وابسته به فرهنگ است؟. *علوم رفتاری*، ۴ (۳) ۲۳۱-۲۲۵.

عباسی، م.؛ اداوی، ح. و حجتی، م. (۱۳۹۵). رابطهٔ باورهای مذهبی و سلامت روانی ازطریق واسطه‌گری هدفمندی در زندگی و ادراک پیری در معلمان بازنشسته. *روان‌شناسی پیری*، ۲ (۳)، ۱۹۵-۲۰۴.

علیزاده، س. و علیزادهٔ دمیه، ت. (۱۴۰۰). پیش‌بینی قضاوت و رفتار اخلاقی براساس ارزش‌های شخصی - خانوادگی و فراشناخت اخلاقی در دانش‌آموزان. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۶ (۳)، ۱۵۳-۱.

عظیمی رستا، م. و عابدزادهٔ نوبریان، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۳(۱۰)، ۴۶-۳۱

فولادی وندا، م. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی خانواده؛ واکاوی علل و عوامل. *معرفت*، ۲۹ (۳)۶۷.

کریمی ثانی، پ.؛ اسمعیلی، م.؛ فلسفی‌نژاد، م.؛ شفیع آبادی، ع.؛ فرحبخش، ک. و احیائی، ک. (۱۳۸۹). تدوین محتوای مشاورهٔ قبل از ازدواج بر مبنای شناسایی عوامل و مهارت‌های معنوی و اخلاقی پیش‌بینی‌کنندهٔ ازدواج موفق در بین زوج‌های تبریز. *زن و مطالعات خانواده*، ۲ (۷)، ۱۲۱-۱۳۲.

گلریز، گ. (۱۳۵۳). *پژوهشی برای تهیهٔ نگرش مذهبی و بررسی رابطهٔ نگرش مذهبی با سایر بازخوردهای و خصوصیات شخصی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی. دانشگاه تهران.

مرکز رصد فرهنگی کشور (۱۴۰۰). *افزایش آمار طلاق در ایران؛ یک طلاق به ازای هر ۳ازدواج*، https://iranopendata.org/pages/one-divorce-for-every-three-marriages

مصلحی، ج. و احمدی، م. (۱۳۹۲). بررسی نقش زندگی مذهبی در رضایتمندی زناشویی زوجین. *روان‌شناسی و دین*، *۶*(۲)، ۹۰-۷۵.

میرحسینی، ز. و کوه‌پیمای رونیزی ز. (۱۴۰۰). واکاوی فهم ادراک‌شدهٔ زنان از آسیب‌های حوزهٔ خانواده (مورد مطالعه: زنان شهر فسا). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، *۱۰*(۱)، ۷۱-۹۸. doi:10.22108/srspi.2021.124148.1586

هام، م. و گمبل، س. (۱۳۸۲). *فرهنگ و نظریه‌های فمنیستی*، مترجمان: فیروزه مهاجر، فرخ قره داغی، نوشین احمدی خراسانی، تهران: توسعه.

References

Abbasi, M., .Adavi, H., & Hojjat, M. (2015). The relationship between religious beliefs and mental health through purposeful mediation in life and perception of aging in retired teachers, *Psychology of Aging*, *2*(3), 195-204. [In Persian]

Aman, J., Abbas. J., Nurunnabi, M., & Bano, Sh. (2019). The relationship of religiosity and marital satisfaction: The role of religious commitment and practices on marital satisfaction among pakistani respondents. *Behav Sci*, *9*(3), 30. https://doi.org/10.3390/bs9030030.

Azad Armaki, T., Madiri, F., & Vakili, A., (2008). Iranian family, collapse or fundamental changes by examining the role of public education in improving the current situation. *Family Quarterly*, *9*(7), 63-84. [In Persian]

Alizadeh, S., & Alizadeh Damieh, T. (1400). Prediction of moral judgment and behavior based on personal-family values and moral metacognition in students. *Ethics in Science and Technology*, *16* (3), 1-153. [In Persian]

Azimi Rasta, M., & Abedzade Nobarian, M. (2012). Investigating factors affecting the incidence of emotional divorce between couples in the family, *Iranian Sociological Studies Quarterly*, *3*(10), 46-31. [In persian]

Amin Mozafari, F., & Pargar Asal, Kh. (2009). *Principles of preliminary statistics in behavioral sciences (using spss)*, published by Sociologists. [In Persian]

Babaei, N., Balali, E., Naghdi, A., & Karimi, A. (2015). The study of religiosity impact on family cohesion in Hamedan. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, *9*(4), 7-26. doi:10.22055/qjsd.2015.11927 [In Persian].

Berger, P., & Lakman, T. (2019). *Social construction of reality*, translated by Fariborz Majidi, Tehran, Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

Clark, A.E., Likes. (2009). Let us pray: religion interaction in life satisfaction. *PSE Working Papers*, *4*(4), 1-29.

Chayoon, L., & Putnamb, R. D. (2010). Religion, social networks ,and life satisfaction. *American Sociological Review*, *75*(6), 914-933.

Chalabi, M., & Rozbahani, T., (2018). The role of the family as a factor and obstacle to juvenile delinquency. *Humanities Research Journal*, *4*(29), 95-132. [In Persian]

Cultural Observation Center of the Country. (2021). *The increase in the number of divorces in Iran*; One divorce per. https://iranopendata.org/pages/one-divorce-for-every-three-marriages [In Persian]

Dehdast, K., & Ghobadi, S. (2020). Explanation factors of rupturing in iranian family influenced by modernization: *A* qualitative meta-analysis. *Counseling Culture and Psychotherapy*, *11*(43), 121-158. doi:10.22054/qccpc.2020.47218.2230 [In Persian]

Dehghani Tafti, Z., Mohammadi, A., & Hekhritian, M. (2018). Sociological investigation of the social consequences of divorce among women in Tehran during the years 1996-1997 based on structural equations. *Strategic Researches of Social Issues of Iran*, *8*(1), 115-97. [In Persian]

Duba Sauerheber, J., Hughey, A., W., Pence Wolf, Ch., Ginn, B., & Stethen, A. (2020) The relationship among and between marital satisfaction, religious faith, and political orientation. *The Family Journal*, *29*(1), 41-49. https://doi.org/10.1177/1066480720939023

Ebrahimi, L., & MohammadLou, M. (2021). Systematic review of the underlying factors of consensual divorce of couples in the last decade in Iran (2009-2020). *Quarterly Journal of Woman and Society*, *12*(46), 16-29. doi: 10.30495/jzvj.2021.24814.3224 [In Persian]

Ellison, C. G., Walker, A. B., Glenn, N. D., & Marquardt, E. (2011). The effects of parental marital discord and divorce on the religious and spiritual lives of young adults. *Social Science Research*, *40*(2), 538-551.

Ezazi, Sh. (2001). *Family sociology*. Roshangan Publications and Women's Studies, first edition, Tehran. [In Persian]

Fouladi Wanda, M. (2019). Family pathology, Analyzing causes and factors, *Marafet*, *29*(3), 67. [In Persian]

Gaunt, R. (2006). Couple similarity and marital satisfaction are similar spouses- happier?. *Journal of Personality*, *74*(5), 1402-1420

Golriz, G. (1974). *A research on the preparation of self-centered attitude and the examination of the*

(2021). Women's perceived understanding of issues in the domain of family: A Case Study of Women in Fasa, Iran. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, *10*(1), 71-98. doi:10.22108/srspi.2021.124148.1586 [In Persian]

Moslehi, J., & Ahmadi, M. (2012). The title of the role of religious life in the marital satisfaction of couples. *Psychology and Religion*, *6*(2), 75-90. [InPersian]

National Statistics Portal. (1401). *General family* (divorce). https://dadsoo.com/divorce-statistics-in-iran60. [In Persian]

Roshan, S., & Bakhshi, F. (2015). The effect of customers' religious beliefs on the brand value of Astan Quds Razavi food industry. *Strategic Management Thought* (Management Thought), 10(2), 163-188. [In persian]

Sarukhani, B. (2008). *Introduction to family sociology*, published by: Soroush. [In Persian]

Seifi Ghozlu, S. J., Hamidi, O., Sharifi, G., & Khalili, S. (2015). Investigating of effectiveness of life skills training on marital satisfaction. *Family Counseling and Psychotherapy*, *5*(1), 116-130. [In Persian]

Zhiani, Z., Dadgaran, S. M., & Rasouli, M. R. (2021). Explaining the cultural causes of communication challenges for divorced couples (Case Study of Vanak Family Court Clients). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, *10*(2), 625-657. doi:10.22059/jisr.2021.308641.1108 [In Persian]

Ziyai, M., Pour Etemad, H., & Hassanzadeh Tavakoli, M. (2010). Is moral judgment dependent on culture. *Behavioral Sciences*, *4*(3), 231-225. [In Persian].

relationship between self-centered attitude and other feedbacks and personal characteristics. Master's thesis in psychology. University of Tehran. [In persian]

Jalili Telchgah, F., Kaldi, A., & Mr Jani, M. (2019). Sociological analysis of social ethics and its influencing factors: The case study of Tehran. *Urban Sociological Studies Quarterly*, *10*(34), 71. [In Persian]

Hadit, J. (2001). The emotional dog and rational tail. *Psychological Review*, *108*(4), 814-834. http://dx.doi.org/10.1037/0033-295X.108.4.814

Ham, M., & Wegamble, S. (2003). *Feminist culture and theories*, translators of Firouzeh Mohajer; Farrokh Qara Daghi, Noushin Ahmadi Khorasani, Publisher: Tehsehe. [In Persian]

Hassanzadeh, A. (2021) *Social pathology of family breakup*, 5th International Conference on Religious Studies, Islamic Sciences, Jurisprudence and Law in Iran and the Islamic World, Tehran. [In Persian]

Haseley, J. (2006). *Marital satisfaction among newly married couple: Associations with religiosity and romantic attachment style University of North Texas, Degree of phd.* University of North texas. https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc5458/m2/1/high_res_d/dissertation.pdf

Karimi Thani, P., Ismaili, M., Philosfinejad, M., Shafiabadi, A., Farahbakhsh, K., & Ahi Ai, K. (2010). Compiling the content of pre-marriage counseling based on the identification of factors and spiritual and moral skills predicting a successful marriage among Tabari couples. *Women and Family Studies*, *2*(7), 121-132. [In Persian]

Taj Bakhsh, G., Ramezani, R., & Mohammad Mirzaei, M. (2017) Analysis of the dimensions of religiosity of couples involved in extramarital relationships: A qualitative study. *Islam and Psychological Research*, *4*(2), 116 -93. [In Persian]

Mirhosseini, Z., & Zahra Koohpeyma Ronizi, Z.